

## مالکیت فکری و جایگاه آن در حقوق موضوعه

محمدحنیفه اقبالی درخشان<sup>۱</sup>

اشاره:

حقوق مالکیت فکری در جهان امروز به تکیه‌گاهی مطمئن برای توسعه دانش و فناوری و تجاری‌سازی ایمن و مطمئن دستاوردهای علمی و فنی تبدیل شده است. درک این موضوع از سوی کشورها و دولت‌ها باعث شده است تا مراجع قانونگذاری برای تمهید قوانین لازم در این حوزه اقدام و سازوکارهای لازم برای تعاملات بین‌المللی را فراهم سازند. در این مقاله سعی نگارنده بر این است که ضمن ارائه تعاریف مال و مالکیت، جایگاه مالکیت فکری و وجود یا نبود تعریفی مشخص برای آن در حقوق موضوعه را تبیین نماید.

واژگان کلیدی: مال، مالکیت، حقوق مالکیت فکری

مقدمه:

برای درک این مطلب که اساساً چرا عبارت «حقوق مالکیت فکری» برای حمایت از دستاوردهای جدید علمی، فنی و یا هر اثر فکری دیگری مورد استفاده قرار گرفته است و منظور حمایت و حفاظت از حقوق خالقان آثار فکری اعم از مالکیت ادبی و هنری یا حقوق مالکیت صنعتی چیست، باید دریابیم که ریشه مالکیت فکری از کجاست، آیا مالکیت،

---

۱. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل و کارشناس و بازرس دفتر بازرسی و پاسخگویی به شکایات سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

فکری و غیرفکری دارد یا خیر، اگر دارد چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با هم دارند. تعریف هر یک چیست و در نظام حقوقی ما از چه جایگاهی برخوردارند. در این مقال ابتدا تاریخچه کوتاهی در خصوص شکل‌گیری مالکیت فکری در جوامع بشری و طرح آن به عنوان یک نهاد حقوقی لازم و ضروری مطرح و سپس تعریف مال و مالکیت به مفهوم جاری آن در جامعه و متعاقب آن تعریف مالکیت فکری با اشاره به نظر برخی از حقوقدانان به حیطه بیان درخواست آمد. و در نهایت درخواستیم یافت که علی‌رغم اعمال حقوق مالکیت فکری در جامعه و وجود برخی قوانین و مقررات در این ارتباط، آیا در این خصوص تعریفی در حقوق موضوعه ما وجود دارد یا خیر؟

#### گفتار اول :

#### تاریخچه حقوق مالکیت فکری

یکی از موهبت‌های الهی که در وجود انسان به ودیعه گذاشته شده است، احساس مسئولیت نسبت به داشته‌های خود و اعتقاد به ضرورت حفظ و صیانت از آنهاست؛ احساسی که در جوامع انسانی از آن به عنوان نهاد حقوقی «مالکیت» یاد می‌شود. ابناء بشر تمایلی قوی به حفظ یافته‌های مادی و معنوی و گسترش و افتخار به آنها را در خود دارد. این احساس در انسان ابتدا نسبت به اموال مادی به وجود آمد. و تا قرون گذشته تلاش‌های فکری بشری اگرچه مورد احترام و اکرام بود اما نیازهای مادی وی اساساً با کار و تلاش فیزیکی و تبادل اموال عینی یا پرداخت پول و ما به ازاء برطرف می‌گردید. اما از زمانی که جوامع مدرن به مفهوم امروزی آن شکل گرفت و شهرنشینی به سبک جدید رواج پیدا کرد، دانش و فن به عنوان انگیزه‌ای برای رشد جوامع مطرح گردید و رونق پیدا کرد؛ به ویژه از قرن پانزدهم به بعد اندیشه‌ورزی و تراوش‌های فکری به مبنایی برای کسب ثروت تبدیل شد و صبغه اقتصادی به خود گرفت و امروز از آن به عنوان عاملی مهم برای رشد اقتصادی و توسعه جوامع یاد می‌شود.

با ظهور صنعت چاپ و امکان نشر آسان کتب علمی و ادبی و هنری، سرقت و سوءاستفاده از آثار فکری دیگران نیز میسر شد. و کم کم صاحبان اندیشه و هنر دریافتند

که برای حفظ دستاوردهای فکری خود می‌بایست سازوکاری فراهم آورند. این نهضت ابتدا موجب فراهم آمدن زمینه برای صدور گواهی‌نامه‌هایی از سوی سلاطین اروپایی، تحت عنوان حق امتیاز گردید. این رویه هم منافع دارنده گواهی را فراهم می‌ساخت و هم امکان کنترل اندیشه‌ها از سوی حکام را به وجود می‌آورد. این حمایت‌ها کم‌کم به وضع قوانین ملی انجامید که از آن میان می‌توان به اولین قانون موضوعه برای حمایت از اختراعات به سال ۱۴۷۴ در ونیز اشاره کرد. قانونی که حقوق انحصاری لازم را برای مخترع برای مدت ۱۰ سال فراهم می‌ساخت. و به دنبال آن در سال ۱۶۲۴ در انگلستان حمایت از مالکیت فکری در قالب حمایت از اختراعات آغاز و منتهی به وضع قانون حق مؤلف در ۱۷۰۹ و به تدریج سرایت این حرکت به کشورهای دیگر گردید. به طوری که امروز شاهد نهادینه شدن این تأسیس حقوقی در تمامی کشورها هستیم.

وضع قوانین در خصوص حقوق مالکیت فکری در ایران با تصویب قانون ثبت علائم تجارتي ایران در ۹ فروردین ۱۳۰۴ شروع و با اصلاحات بعدی به تصویب قانون ثبت علائم و اختراعات در ۲۹ تیرماه ۱۳۱۰ منجر گردید که به همراه آیین‌نامه اصلاحی آن تا زمان حاضر مورد استناد متقاضیان ثبت علائم و اختراعات قرار گرفته است. به موازات وضع قوانین، در معاهدات مودت و همکاری‌های فنی و تجاری بین ایران و برخی کشورها، حمایت از علائم تجاری و اختراعات مورد توجه بوده است که این حمایت‌ها صرفاً به مناسبات دوجانبه طرف‌های معاهدات مذکور محدود می‌گردیده است. قوانین و مقررات دیگری نیز پس از آن در زمینه‌های مختلف و توسط مراجع ذی‌صلاح به تصویب رسیده و مورد استفاده و استناد قرار گرفته و می‌گیرد که می‌توان در زمره آنها از قانون مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۴۴/۳/۲۹ با اصلاحات بعدی آن و قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸ و آیین‌نامه اجرایی آن و قانون ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بذر و نهال مصوب ۱۳۸۲/۴/۲۹ یاد کرد.

در کنار تصویب قوانین و انعقاد معاهدات دوجانبه همکاری‌های فنی و تجاری و

معاهدات مودت، با توجه به اقتضائات پیش آمده و احساس ضرورت نهادهای قانونگذاری و به موازات توسعه جامعه، به برخی از معاهدات بین‌المللی مرتبط نیز پیوسته‌ایم؛ از جمله مهم‌ترین این معاهدات، کنوانسیون پاریس راجع به حمایت مالکیت صنعتی در سال ۱۳۳۸ و کنوانسیون مؤسس سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) در سال ۱۳۸۰، اتحادیه موسوم به مادرید و موافقت‌نامه آن راجع به ثبت بین‌المللی علائم و پروتکل مربوط در سال ۱۳۸۰ است. مقررات مندرج در این معاهدات با عنایت به مفاد ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون بوده و پس از تصویب و انتشار لازم‌الاتباع و لازم‌الاجرا می‌باشند. این معاهدات در عین حالی که امتیازاتی را در حوزه تعاملات بین‌المللی راجع به حقوق مالکیت فکری و تجارت برای کشور ما به ارمغان می‌آورند، تعهداتی را نیز تحمیل می‌کنند تا در راستای ایجاد نظمی منطقی و بین‌المللی امکان دادو ستد در زمینه‌های تجاری، تبادل اطلاعات و انتقال فناوری و منابع اولیه فراهم گردد.

## گفتار دوم:

### تعاریف

ماده ۱۱ قانون مدنی مال را به منقول و غیرمنقول تعریف کرده و شق دیگری برای آن قائل نشده است. در مواد ۱۲ تا ۲۲ قانون مدنی که از مصادیق و تعاریف اموال غیرمنقول و منقول صحبت به میان آمده، ذکری از حقوق مالکیت فکری به عنوان مال نشده است. لذا لازم است که برای روشن شدن موضوع به تعاریف مال و مالکیت فکری از نظر حقوقدانان اشاره‌ای به عمل آید تا امکان نتیجه‌گیری فراهم گردد.

### مال

در فرهنگ لغت، کلمه *property* از عبارت (Intellectual Property Rights) به معانی «دارایی، مال، حق مالکیت، مایملک، ملک»<sup>۱</sup> و «دارایی، مال، خاصیت، صفت

۱. بخش ترجمه، دیوان دآوری دعاوی ایران، لاهه، «فرهنگ اصطلاحات حقوقی انگلیسی به فارسی»، چ سوم، (نشر یلدا، تهران، ۷۲) ص ۶۰

خاص، قوه مخصوص، استعداد، کیفیت، وسیله، اسباب کار، آلت دست و حق مالکیت<sup>۱</sup> آمده است. از میان معانی فوق کلمات «مال» و «مالکیت» معادلی مناسب‌تر بوده و قرابت بیشتری با عبارت حقوق مالکیت فکری دارد.

برخی از حقوقدانان معتقدند که مال آن چیزی است که قابل استفاده باشد و در ضمن ارزش مبادله اقتصادی نیز داشته باشد. بنابراین نظر، مال همیشه دارای ارزش اقتصادی است و قابلیت تقویم دارد و فرق آن با شیء در همین جاست زیرا شیء ممکن است ارزش اقتصادی داشته یا نداشته باشد. اما مال آن چیزی است که ارزش اقتصادی دارد و این مال لزوماً شیء مادی نیست بلکه حقوقی نیز که ارزش مادی داشته باشد، مال محسوب می‌شود. از این رو حق مخترع و مؤلف نسبت به آثار خود نیز اموال محسوب می‌گردد و قابلیت تقویم دارد. در نتیجه علی‌رغم تقسیم سنتی حقوق به حقوق عینی و حقوق دینی شاخه سومی را نیز می‌توان تحت عنوان حقوق فکری بدان افزود. حقوقی که موضوع آن شیء مادی نبوده بلکه فعالیت فکری و معنوی دارنده آن را تحت پوشش قرار می‌دهد و به دارنده آن اجازه می‌دهد که از حق خود آن گونه که می‌خواهد استفاده کند.<sup>۲</sup>

به اعتقاد یکی از صاحب‌نظران، در عصر حاضر به دلیل تحولات فراوانی که روی داده است دیگر نمی‌توان حقوق مالی را بنا بر تعریف کلاسیک به حقوق عینی و دینی منحصر کرد بلکه حق دیگری نیز تحت عنوان حقوق معنوی مطرح است و از لحاظ انحصاری بودن با مالکیت شباهت دارد اما برخلاف حقوق عینی موضوع آن شیء مادی نیست. مثل حق مؤلف بر نوشته‌هایش. فلذا می‌توان حق مالی را به سه دسته عینی، دینی و معنوی تقسیم کرد.<sup>۳</sup>

۱. آریانپور کاشانی، عباس، «فرهنگ کامل انگلیسی - فارسی»، چ دوم، ج چهارم (امیرکبیر، تهران، ۶۳) ص ۴۳۴۸.

۲. صفائی، سیدحسین، «دوره مقدماتی حقوق مدنی اشخاص و اموال»، چ اول (تهران، میزان، ۱۳۷۹) صص ۱۲۴ - ۱۲۳.

۳. کاتوزیان، ناصر «مقدمه علم حقوق»، چ بیست و هفتم، (تهران - انتشارات - میزان، ۱۳۷۹) صص ۲۶۴ - ۲۶۳.

ماده ۱۱ قانون مدنی اموال را به منقول و غیرمنقول تقسیم کرده است و نامی از اموال فکری نبرده است. لذا به نظر می‌رسد که هنوز نمی‌توان با توجه به عقاید پیش گفته از دست آورد فکری مبدع و مخترع تحت عنوان مال به مفهوم عمومی شیء (که صرفاً به اموال مادی و بنابر تعریف قانون مدنی بر اموال منقول و غیرمنقول اطلاق دارد) یاد کرد؛ اما با توجه به نظریه حقوقدانان یاد شده، شاید بتوان به دلیل قابلیت تقویم و داد و ستد، از آن به عنوان حق مالی که مصداق‌های غیرمادی مثل حق کسب و پیشه، حق مخترع یا مؤلف را پوشش می‌دهد، نام برد و رابطه اعتباری مالکیت را در چهارچوب مشخصی به آن نسبت داد.

در اینجا شایان ذکر است، با توجه به ارتباط حقوق مالکیت فکری با دنیای تجارت و ظهور این حقوق در این حوزه، بدون تجاری‌سازی حقوق مالکیت فکری، ارزش مادی آن را نمی‌توان کسب کرد. در حوزه تجارت هر آنچه را که بتوان مبادله کرد و برای آن ارزش مادی و قابل تقویم قائل شد، کالا نام داده‌اند؛ بنابراین شاید بتوان از مصادیق حقوق مالکیت فکری تحت عنوان کالا نیز یاد کرد. کالا، هم شامل کالای مادی، مثل هر چیز قابل لمس و قابل خرید و فروش مانند، غذا و پوشاک و غیره و هم شامل کالای غیرمادی، چون خدمات که ظهور مادی آن فوری نباشد و یا اساساً ظهور مادی نداشته باشد، می‌گردد. اما هیچ یک از این تعاریف هنوز نهادینه نشده است و در حد نظریه باقی است.

### مالکیت

وقتی از رابطه هر پدیدآورده‌ای، اعم از مخترع، پرورش دهنده گیاهان جدید، محقق و مؤلف و نویسنده و هنرمند با آثار پدیدآمده آنها، به عنوان حق مالی و رابطه مالکیت یاد می‌کنیم؛ باید مفهوم و حدود آن را در نظام حقوقی تبیین و روشن کنیم. تعریف‌های متعددی از مالکیت وجود دارد که در مفهوم، قرابت و نزدیکی زیادی با هم دارند اما در خصوص حقوق مالکیت فکری تعاریف موجود به طور کامل پاسخگو نبوده و انطباق تام ندارند. از جمله در تعاریف ذیل:

۱) مالکیت، رابطه‌ای اعتباری است که بین شخص و شیء مادی تصور می‌شود. و در اصطلاح حقوقی، مالکیت حقی است دائمی که به موجب آن شخص می‌تواند در حدود قانون، تصرف در مالی را به خود اختصاص دهد و به هر طریق که مایل است از تمام منافع آن استفاده ببرد، با توجه به حدود و شرایط مندرج در ماده‌های ۳۰<sup>۱</sup> و ۱۳۲<sup>۲</sup> قانون مدنی و اصل ۴۰<sup>۳</sup> قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.<sup>۴</sup>

۲) «مالکیت حق استعمال و بهره‌برداری و انتقال یک چیز به هر صورت است، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد. (ماده ۳۰ و ۳۱ قانون مدنی)»<sup>۵</sup>

۳) و به تعبیر دیگر «مالکیت مهم‌ترین حق عینی است و عبارت از رابطه‌ای است بین شخص و شیء که به وی حق همه گونه تصرف و انتفاع را می‌دهد. مالکیت حقی است مطلق و انحصاری؛ زیرا به صاحب آن اجازه می‌دهد هر گونه تصرفی در مال خود بکند و هر نوع بهره‌ای از آن ببرد، مگر آنچه به موجب قانون استثناء شده باشد. (ماده ۳۰ قانون مدنی) این قاعده در فقه قاعده تسلیط<sup>۶</sup> نام دارد»<sup>۷</sup>.

در تعریف نخست، مالکیت رابطه‌ای اعتباری بین مالک و شیء مادی و نیز حقی دائمی قلمداد شده است. اما در تعریف حقوق مالکیت فکری، رابطه پدید آورنده با اثر خلق شده

۱. ماده ۳۰ قانون مدنی: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع را دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد».

۲. ماده ۱۳۲ قانون مدنی: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد».

۳. اصل چهارم قانون اساسی: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد».

۴. آقای، محمدعلی، «شرح مختصر اصطلاحات حقوقی»، چ اول (تهران - خط سوم - ۱۳۸۲) ص ۱۶.

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، «ترمینولوژی حقوق»، چ یازدهم (تهران - گنج دانش - ۱۳۸۰) ص ۵۹۹.

۶. صفایی، سیدحسین، همان مرجع، ص ۱۶۸، (این قاعده در فقه قاعده تسلیط نام دارد و مستند آن حدیث نبوی «الناس مسلطون علی اموالهم» می‌باشد - بدین معنی که مالک حق دارد منحصرأ از مال خود بهره‌مند شود و از تصرفات دیگران در آن جلوگیری نماید).

۷. همان مرجع، ص ۱۶۸.

رابطه شخص و شیء نیست اگرچه از نتایج آن ممکن است شیء مادی به عمل آید اما در واقع اصل، فعالیت فکری و اثر پدید آمده از فکر خلاق در این حوزه است تا مالکیت بر شیء مادی، اگر یک مخترع یا مبدع ایده و اثر فکری خود را به مرحله تولید نرساند ظهور مادی پیدا نمی‌شود. اما در همان حال نیز او صاحب آن اثر فکری است و می‌تواند آن را بدون اینکه به تولید برساند به دیگری واگذار و منتقل نماید. بنابر تعریف یاد شده رابطه مالکیت دائمی است. اما در حقوق مالکیت فکری محدودیت زمانی، در بعد منافع مادی حاکم است. ممکن است بنا به جهاتی حتی بسیار زودتر از موعد مقرر یک اختراع به حوزه عمومی وارد شود و از نظر مادی از مالکیت مخترع خارج گردد. اگرچه از نظر معنوی اختراع برای همیشه به نام وی ثبت می‌گردد. پس در تعریف نخست به جهت دو تناقض مورد اشاره امکان انطباق تعریف بر حقوق مالکیت فکری وجود ندارد.

اما در تعریف دوم و سوم به لحاظ اینکه به دائمی بودن حق، اشاره‌ای نشده است و صرفاً موارد برشمرده شده در قانون را از عداد استثناء بر اصل قلمداد کرده، انطباق بیشتری وجود دارد. اما ابهامی که در این تعاریف وجود دارد اشاره به رابطه مالکیت بین شخص و شیء می‌باشد. شیء علی‌القاعده بر اجسام مادی اطلاق دارد و بر آثار فکری منطبق نیست. لذا از این جهت قابل نقد می‌باشد. اما از حیث انحصاری و مطلق بودن حقوق مالکیت فکری با مالکیت عینی شباهت تام دارد. همان طور که در تعاریف فوق مورد اشاره قرار گرفته، حق مالکیت حقی مطلق و انحصاری است اما این اطلاق و انحصار به موجب قانون دارای قلمرو و حدودی نیز هست. در واقع در نقاطی که حقوق خصوصی افراد با یکدیگر و نیز حقوق خصوصی افراد با حقوق عمومی جامعه تلاقی دارد، خطوط قرمز ترسیم شده است. اگر قاعده تسلیط مالکیت انحصاری مالک بر مالش را مورد تأیید قرار می‌دهد، در جای دیگر و مطابق قاعده «لاضرر»<sup>۱</sup> برای آن چهارچوبی مشخص و توسط قوانین و مقررات این

۱. این قاعده از حدیث نبوی (لاضرر و لااضرار فی الاسلام) گرفته شده است. در مواردی که تصرف مالک در مال خود به موجب نص خاص منع نشده است و تصرف اصولاً جزء لوازم حق و از لحاظ نوعی داخل در قلمرو اعمال حق است مالک نباید تصرفی در مال خود کند که از آن زیانی به دیگری برسد. چنین تصرفی در اصطلاح حقوقی سوءاستفاده از حق نامیده می‌شود. در حقوق ما نیز اصل چهلم قانون اساسی سوء استفاده از حق را ممنوع کرده است. نقل از: صفایی، سیدحسن، همان مرجع، ص ۱۷۵.



خطوط را پررنگ‌تر می‌نماید.

### مالکیت فکری

در تعریف از مالکیت عینی، دائمی بودن رابطه مالکیت، انحصاری و مطلق بودن حق مالک بر مال خود و نیز برقراری رابطه مالکیت بین مالک و شیء مادی را مطرح کردیم و در نقد تعاریف مالکیت عینی، مورد اشاره قرار گرفت که به خاطر شرایط حاکم بر مالکیت فکری تعاریف مذکور را نمی‌توان بر این مفهوم و تأسیس حقوقی منطبق نمود و به ناچار باید جرح و تعدیلی را بر آن روا داشت.

به نظر نگارنده، همان‌طور که در توضیح مفهوم مالکیت عینی مورد اشاره قرار گرفت تفاوت‌هایی بین مالکیت عینی و مالکیت فکری وجود دارد که در مجموع به شرح ذیل است:

۱ - موضوع مالکیت عینی، شیء مادی است ولی موضوع مالکیت فکری، اثر فکری و پدیده غیرمادی است.<sup>۱</sup>

۲ - مالکیت عینی دائمی است و تا زمانی که مورد نقل و انتقال واقع نشده حق مالکیت، متعلق به مالک است و زمانی که منتقل شد برای انتقال گیرنده به همین نحو، مالکیت، دائمی است. اما در مالکیت فکری اعم از مالکیت صنعتی و ادبی و هنری، حقوق مادی مالک بر اثر فکری خود برای یک دوره معین خواهد بود؛ حتی در صورت انتقال نیز این حقوق مادی افزایش پیدا نمی‌کند و پس از گذشت مدت مزبور حقوق مادی اثر به حوزه عمومی منتقل می‌گردد.

۳ - در مالکیت عینی، مالک یک نوع حق عینی بر مملوک دارد. ممکن است مال مثل یک ماشین دارای ارزش مادی و قابل تقویم باشد و امکان داد و ستد آن فراهم و یا ممکن است از نظر مادی برای مالک و دیگران فاقد ارزش مادی باشد و قابلیت داد و ستد نداشته باشد؛ مثل عکس خانوادگی و یا تصویر گذشتگان و نزدیکان، اما برای دارنده آن واجد

ارزش معنوی و حرمت باشد، در حالی که در حقوق مالکیت فکری به طور مجزی دو نوع حقوق مادی و معنوی برای پدیدآورنده وجود دارد که حقوق مادی قابلیت واگذاری دارد؛ مثل حق و امتیاز مادی یک اختراع، اما حقوق معنوی قابلیت واگذاری ندارد و به طور الی‌الابد و دائم به پدیدآورنده تعلق دارد؛ مثل شاهنامه که برای همیشه به نام فردوسی خوانده شده و خواهد شد.

به علت تفاوت برداشت اندیشمندان و عدم دستیابی به یک تعریف جامع و مانع از حقوق مالکیت فکری در غالب معاهدات بین‌المللی به طور صریح و روشن به تعریف این حقوق پرداخته نشده است بلکه اغلب به ذکر مصادیق بسنده گردیده؛ مثل بندهای دو و سه ماده یک کنوانسیون پاریس راجع به حمایت از حقوق مالکیت صنعتی و یا بند هشت ماده دو کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری، با توجه به توسعه روزافزون قلمرو تحت پوشش حقوق مالکیت فکری از جمله در حوزه زیست فناوری، اخلاق زیستی، جنبش نرم‌افزاری و غیره، عدم ارائه یک تعریف مشخص را می‌توان نقطه مثبتی برای آن تلقی نمود؛ زیرا که این وضعیت راه توسعه در دامنه شمول را بازگذارده و از ورود مصادیق جدید به این قلمرو جلوگیری نخواهد کرد.

علی‌رغم نبود اجماع در تعریف حقوق مالکیت فکری، یک خصوصیت مشترک را برای همه مصادیق آن می‌توان ذکر کرد؛ و آن صفت بازدارندگی و سلبی بودن آنهاست. یعنی همه مصادیق این حقوق دیگران را تا زمانی که دارنده حق تجویز نکرده، از انجام برخی از امور بازمی‌دارد. حتی در مواردی، به علت تقدم در ثبت، از دست‌یابی کسانی، که به طور مستقل به آن ایده و دست آورد، دست یافته‌اند، به حق مالکیت فکری ممانعت می‌کند و از سوءاستفاده سارقان، جاعلان و تقلیدکنندگان جلوگیری می‌نماید.

### نتیجه‌گیری

دیدیم که قانون مدنی اموال را به منقول و غیرمنقول تقسیم کرده است و در چهارچوب قوانین، مالکیت بر عین و دین پیش‌بینی شده است و برای مالکیت فکری تعریفی در حوزه

قانون ارائه نگردیده است و تعریف مالکیت عینی نیز، علی‌رغم وجود برخی شباهت‌ها قابل تعمیم نیست. با توجه به پویایی نظام‌های حقوقی و تغییر و دگرگونی قوانین با ابتناء بر تحولات جامعه و اقتضائات زمان همان گونه که استادان حقوق پیش‌بینی کرده‌اند می‌بایست برای مالکیت فکری تعریف مجزی و مستقلی ارائه نمود که در حوزه خود تمام شمول و جامع و مانع باشد. اطلاق مالکیت فکری بر آن مطلوب می‌باشد. اما می‌بایست ضمن تعیین حدود و قلمرو و حوزه شمول، با تعبیه آن در بطن قانون، تعریف را نهادینه کرد تا رسمیت یافته و قابلیت استناد قانونی پیدا کند.

